

به طور اجمال از سطح کل عرصه کشور که بالغ بر ۱۶۴ میلیون هکتار می‌باشد، ۱۳۶/۴ میلیون هکتار (۸۳/۲ درصد) آن را منابع طبیعی تجدیدشونده تشکیل می‌دهد که از این میزان ۱۲/۴ میلیون هکتار (۷/۶ درصد) جنگل، ۹۰ میلیون هکتار (۵۴/۹ درصد) مرتع و ۳۴ میلیون هکتار (۲۰/۷ درصد) را بیابان تشکیل می‌دهند.

محیط زیست طبیعی ایران در عین غنی بودن و در برگرفتن طیف وسیعی از گونه‌های مختلف گیاهی و حیوانی، شکنندگی خاصی دارد و در معرض خطر می‌باشد. کشور ایران در زمره محدود کشورهای است که علاوه بر برخورداری از جنگل‌های مربوط به نیمه استوایی، از کویرهای خشک و غیرقابل کشت نیز برخوردار است. از نظر تعداد نمونه‌های گیاهی، ایران در مقایسه با کل قاره اروپا از گونه‌های بیش‌تری برخوردار است.

تهدیدهایی که متوجه این محیط زیست غنی و در عین حال شکننده است، اکثراً به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌های اقتصادی غیرمطلوب در عرصه جنگل‌ها و مراتع نشأت گرفته است. جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی به میزان خطرناکی افزایش یافته است. امروزه در مقایسه با ۱۰ دهه پیش، مساحتی معادل با ۶۰ درصد از جنگل‌های ایران منهدم شده است. همچنین سالانه رقمی بالغ بر ۴۰۰ هزار هکتار از اراضی حاصلخیز کشور دستخوش فرسایش می‌گردد.

با توجه به بهره‌برداری‌ها و کاربرهای غیراصولی و نامناسب از عرصه منابع

مقدمه	۲
۱. اهمیت اقتصاد جنگل و مرتع در حفظ محیط زیست و امنیت غذایی	۴
۲. اثر تخریب منابع طبیعی (جنگل و مراتع) بر اکوسیستم	۸
۳. تقسیم‌بندی مراتع کشور از نظر کشاورزی، نوع دام و مرغوبیت	۱۰
۴. عملکرد سازمان جنگل‌ها و مراتع طی سه سال اول برنامه سوم ۱۳۷۸-۱۳۸۱	۱۳
۵. اهداف کلی زیربخش منابع طبیعی (جنگل‌ها، مرتع و آب‌خیزداری) در برنامه پنجساله چهارم توسعه	۱۵
۶. مشکلات درونی، نقاط قوت و ضعف، امکانات و قابلیت‌ها و محدودیت‌ها و تنگناهای اصلی زیربخش جنگل و مرتع	۱۶
۷. مسائل و مشکلات موجود در سازمان جنگل‌ها و مراتع از بعد مسائل فنی و سازمانی (مدیریت)	۱۹
منابع و مآخذ	۳۶



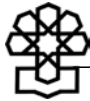


طبیعی، سالانه به میزان وسیعی تخریب به صورت کمی و کیفی انجام می‌گیرد. تخریب کمی در عرصه مرتع بیش‌تر به چشم می‌خورد ولی در بخش جنگل‌ها تخریب‌های انجام شده بیش‌تر جنبه کیفی داشته و تنزل درجه کیفی جنگل را به همراه دارد. به نحوی که در ادامه روند تخریب، عرصه از حیز انتفاع خارج و در زمره اراضی رها شده محسوب می‌گردد.

از سه دهه گذشته تاکنون، در اثر تخریب جنگل‌های کشور از حدود ۱۸/۳ میلیون هکتار به حدود ۱۲/۴ میلیون هکتار تقلیل یافته است. از این میزان، حدود ۱/۹ میلیون هکتار در منطقه البرز شمالی است که ۱/۳ میلیون هکتار از آن تجارتی می‌باشد و مابقی جنگل‌های کشور در غرب و سایر مناطق پراکنده است.

از جنگل‌های ایران (جنگل‌های شمال) هر ساله ۴ میلیون مترمکعب چوب برداشت می‌شود که هم اکنون حدود ۱/۳ میلیون متر مکعب به طور رسمی و بقیه به صورت غیرقانونی برداشت می‌گردد. همچنین سالانه ۱۰ میلیون تن علوفه می‌توان از مراتع برداشت نمود که متأسفانه بر اثر چرای بی‌رویه دام و استحصال غیراصولی میزان برداشت حدود ۱۵ میلیون تن می‌باشد که نتیجه آن نابودی تدریجی مراتع کشور بوده است. به علاوه تغییر کاربری مراتع نیز نقش اساسی را در تخریب این منبع طبیعی دارد. در ضمن وضعیت فرسایش خاک در ایران بین ۱/۵ تا ۲ میلیارد تن در سال برآورد می‌شود که بخشی در اراضی کشاورزی و بخشی هم در سطح مراتع و جنگل‌های مخروطی و حفاظتی رخ می‌دهد. در کل تخریب محیط زیست در ایران خسارت‌های غیرقابل جبرانی را به اقتصاد مملکت وارد می‌سازد،^۱ به نحوی که براساس برآوردهای به عمل آمده، اگر قابلیت متوسط رویش گیاهی در هر هکتار را تنها ۵۰۰ کیلوگرم در سال در نظر بگیریم، می‌توان تأثیر این تخریب بر ده‌ها میلیون هکتار اراضی جنگلی و مرتعی موجود در کشور و میزان تولیداتی که برای انسان

1. نسیمی، علی، ضرورت تحول در کشاورزی کاربردی، ص ۱۷۲-۱۷۴.



جنبه حیاتی و زمینه‌های تولیدی و اقتصادی و زیست محیطی دارد را محاسبه نمود. سازمان جنگل‌ها و مراتع که متولی حفظ، نگهداری و احیای عرصه‌های جنگلی و مرتعی در کشور است، اگرچه در این راستا با اجرای طرح‌های توسعه‌ای سعی بر اجرای وظایف خود دارد، لکن به دلیل عدم کارشناسی و سوء مدیریت در برنامه‌ریزی و اجرای این طرح‌ها نتوانسته است موفقیت کاملی را در این طرح‌ها داشته باشد که نمونه آن موفق نبودن گسترده طرح تعادل دام و مرتع یا طرح خروج دام از جنگل یا تغییر کاربری اراضی جنگلی و مرتعی می‌باشد که موضوع این تحقیق است. همچنین در آخر تحقیق به پاسخ درخصوص چندین سؤال مطرح شده از طرف نماینده محترم ماکو و چالدران درخصوص عملکرد مدیریت سازمان جنگل‌ها و مراتع در مورد عملکرد سازمانی و طرح‌های فوق‌الذکر پرداخته می‌شود.

اصولاً یکی از عوامل مهم در تخریب محیط زیست منابع طبیعی در جهان و به ویژه در ایران، فرسایش خاک است که با از بین بردن پوشش گیاهی مراتع، دشت‌ها و جنگل‌ها به وسیله چرای بی‌رویه دام یا تبدیل مراتع شیبدار به زمین‌های زراعی و... ایجاد شده و موجب تخریب و به هم ریختگی محیط زیست می‌گردد و نتیجه نهایی آن از بین رفتن زمین‌های زراعی و نابودی فعالیت‌های کشاورزی است.

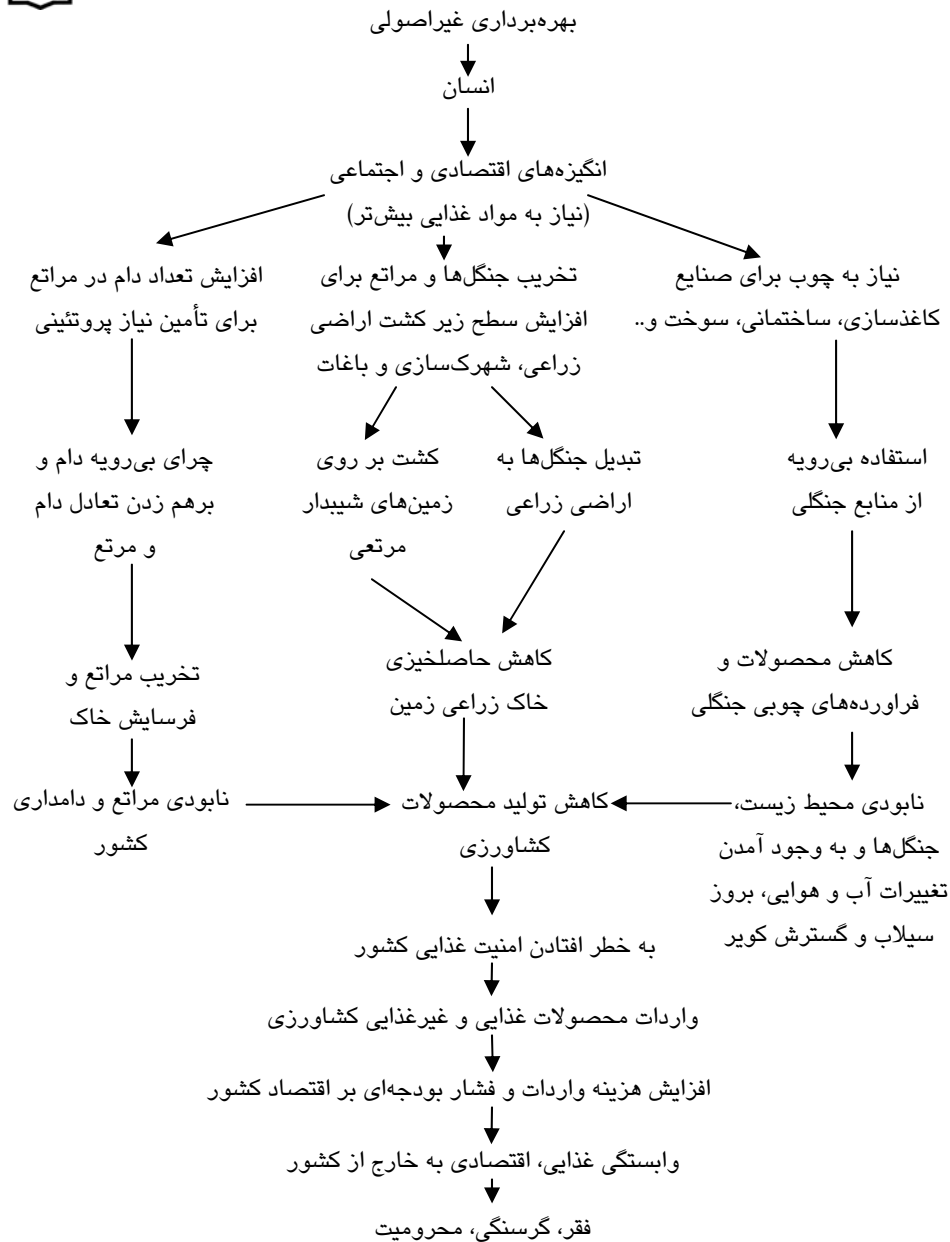
خاک بستر اصلی رشد و تأمین‌کننده مواد مغذی گیاهان به شمار می‌رود. بدین لحاظ، خاک نقش اصلی را در چرخه مواد غذایی مورد نیاز انسان و تأمین علوفه برای تغذیه حیوانات ایفا می‌نماید.

گیاهان می‌توانند با ریشه‌هایشان سنگ‌های معدنی را خرد کنند و مواد آلی موجود در خاک را درون ریشه و حتی در خاک اطراف ریشه‌شان ذخیره سازند و از



این طریق سبب باروری و حاصلخیزی خاک شوند. در ضمن گیاهان می‌توانند عمل هیدراسیون را با ریشه انجام دهند و با تاج و برگ‌های فوقانی و ساقه در مقابل باد از حرکت شن‌های روان جلوگیری و همچنین سیلاب‌ها را مهار کنند. با تخریب و نابودی پوشش گیاهی (جنگل‌ها، بوته‌زارها و مراتع) زمینه آمادگی اولیه برای تخریب و فرسایش خاک توسط جریان‌های تند آب و باد به وجود می‌آید و با این تخریب موجبات نابودی حیات جانوران و نباتات فراهم می‌شود. پس با نابودی مواد مغذی خاک، چرخه تولید مواد غذایی مختل و در نتیجه امنیت غذایی کشور دچار مشکل می‌شود و اقتصاد ملی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند.

با استفاده از یک نمودار می‌توان تأثیر بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی (جنگل و مرتع) که حاصل آن تخریب پوشش گیاهی و اقتصاد منابع طبیعی است را در اقتصاد غذایی (نابودی انسان) و محیط زیست نشان داد.





همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، افزایش بهره‌برداری غیراصولی از منابع جنگلی و چرای بی‌رویه دام، تخریب جنگل‌ها و مراتع و به خطر افتادن امنیت غذایی و در نتیجه وابستگی به واردات مواد غذایی از خارج را به دنبال داشته و از همه مهم‌تر موجبات معضلات اقتصادی و اجتماعی را برای اقشار کم درآمد کشور فراهم می‌سازد.

جدول ۱ میزان درصد تخریب مراتع در سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۶۹ را نشان می‌دهد. براساس این جدول تخریب مراتع در طول این سال‌ها به میزان ۲۷/۱۲ درصد بوده و درصد تخریب سالانه در سال‌های اخیر نیز همچنان ادامه داشته است.

-

۱	سطح کل جنگل‌های کشور	۱۹/۵	۱۲/۲۶	۷/۲۴	-	۳۷/۱۲
۲	سطح کل مراتع کشور	۱۱۰	۹۰	۲۰	-	۱۸/۲
۳	سطح کل جنگل‌های شمالی کشور	۳/۶	۱/۹۱	۱/۶۹	-	۴۶/۹
۴	سطح کویر و اراضی بیابانی و کشتزار	۱۲	۱۵	-	۳	۲۵ درصد افزایش سطح کویر

منبع: ۱. نسیمی، علی، ضرورت تحول در کشاورزی کاربردی، ص ۱۷۹.

۲. مرکز مطالعات استراتژی ملی محیط زیست و توسعه پایدار، ۱۳۸۱.

برطبق جدول ۱، تخریب جنگل‌ها و مراتع به دلیل چرای بی‌رویه دام در مراتع یا جنگل‌ها، گسترده‌گی شهرها، استفاده بی‌رویه از چوب جنگل‌ها بدون جایگزینی و تبدیل زمین‌های جنگلی به کشاورزی دانست که عدم کارشناسی اصولی یا مدیریت ناکارار در



برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه‌ای سازمان جنگل‌ها و مراتع در این زمینه نتوانسته از این معضل به طور کامل جلوگیری نماید. در کشور ما سالانه ۱۰ میلیون تن علوفه خشک دامی در مراتع کشور تولید می‌شود که ارزش اقتصادی این مقدار علوفه، بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد ریال است. با نابودی تدریجی و تخریب جنگل‌ها و مراتع و فرسایش خاک، اقتصاد غذایی و غیرغذایی کشور بیش از این میزان متضرر خواهد شد.

همان‌طور که اشاره شد کل وسعت مراتع کشور حدود ۹۰ میلیون هکتار است که از این مقدار حدود ۱۴ میلیون هکتار جزء مراتع خوب یا متوسط با تولید ۴۵۰ کیلوگرم علوفه خشک در هکتار ۶۰ میلیون هکتار جزء مراتع متوسط تا ضعیف با تولید ۱۵۰ کیلوگرم علوفه خشک در هکتار و ۱۶ میلیون هکتار جزء مراتع خیلی ضعیف با تولید ۳۰ کیلوگرم علوفه خشک در هکتار می‌باشد. همواره اهمیت مراتع کشور به عنوان یک منبع تأمین‌کننده غذای ارزان برای دام و در نهایت تأمین بخشی از مایحتاج انسان مطرح بوده است؛ این عامل مهم باعث گردید که براساس اکوسیستم کشور ایران، دام‌های نشخوارکننده سبک که توانایی طی مسیرهای طولانی کوچ را دارند جهت استفاده غذایی از علوفه مرتع و تولید اقتصادی‌تر، مورد پرورش قرار گیرند.

()

همان‌طور که ذکر شد، بر اثر تخریب منابع طبیعی، فرسایش خاک به وجود می‌آید. از شاخص‌های مهم فرسایش خاک را می‌توان عوامل طبیعی (آب و باد) نام برد. در این قسمت آثار فرسایش خاک به طور مختصر و مفید بیان می‌شود:

۱. گسترش کویر در اثر فرسایش باد و حرکت شن‌ها و ماسه‌های روان،
۲. بروز سیلاب خانمان برانداز بر اثر تخریب پوشش گیاهی،
۳. پرشدن سدها و دریاچه‌ها در اثر رسوبگذاری حاصل از ذرات و خاک‌های لایه



پوششی با ارزش به وسیله آب و کاهش چشمگیر عمر مفید سدها در کشور،
۴. کمبود ذخایر زیرزمینی آب و خشک شدن قنوات و چاه های قدیمی به علت کاهش شدید نزولات آسمانی و هدر رفتن آن به صورت هرز آب ها و سیلاب ها، زیرا پوشش گیاهی و طبقه هوموس و لاشبرگ، بزرگ ترین عامل نگهداری و نفوذ آب به طبقات زیرین خاک هستند که در صورت فقدان آن ها، آب ها به صورت جریان های سطحی از دست می رود.

۵. اختصاص عرصه های منابع طبیعی حاصلخیز و ارزنده برای توسعه شهرها به علت افزایش جمعیت یا منافع اقتصادی (ویلاسازی)،

۶. افزایش سطح زیرکشت با تخریب مراتع در زمین های شیبدار، که بر اثر شخم زدن زمین های شیبدار مرتعی، مواد مغذی درون خاک شسته شده و قدرت حاصلخیزی خاک پس از چند سال از دست می رود،

۷. تبدیل جنگل ها به باغات و از بین بردن مراتع و تخریب پوشش گیاهی به علت چرای بی رویه دام و تبدیل مراتع به زمین های زراعی،

۸. تخریب جنگل ها، سبب تغییرات جوی در این مناطق گردیده و این تغییرات در میان مدت باعث تخریب زمین های زراعی، کاهش اکسیژن و ... می گردد،

۹. بهره برداری سنتی از منابع جنگلی و مرتعی می تواند بر اقتصاد جنگل و مرتع، مهاجرت و امنیت غذایی تأثیرگذار باشد،

۱۰. تخریب جنگل ها در دره ها و مناطق شیبدار و تبدیل آن به مرتع و سپس به باغات و زمین های زراعی.

نتیجه ای که می توان از نکات فوق گرفت آن است که گرچه فرسایش خاک با آب و باد صورت می پذیرد ولی نقش انسان چه به لحاظ بهره بردار و چه به لحاظ مدیریت کاملاً در آن واضح است.

اگر چه بهره برداران به دلیل نامناسب بودن شرایط اقتصادی خود و نیاز به غذا اقدام



به استفاده غیراقتصادی و بدون برنامه از منابع طبیعی (جنگل ها و مراتع) می نمایند، لکن مدیریت علمی کاربردی در حفظ این منابع می تواند از تخریب گسترده آن جلوگیری نماید.

با توجه به این که مراتع کشور به لحاظ میزان ارتفاع از سطح دریا، درجه حرارت در شب و روز، میزان بارندگی و تفاوت در توزیع بارش در طول سال، میزان اشعه آفتاب دریافتی در سطح زمین، جنس و شیمی خاک، اکولوژی و اکوسیستم منطقه تفاوت های اساسی با یکدیگر داشته و این تفاوت ها سبب گردیده است که مراتع به لحاظ تنوع پوشش گیاهی، تراکم گیاه در واحد سطح، خوش خوراکی گیاهان مرتعی، میزان خشبی و غیرخشبی بودن گیاهان، مدیریت چرای دام (در فصل چرا) و کاهش یا افزایش علف های هرز کاملاً متفاوت از یکدیگر عمل کنند؛ ضمن این که اکوسیستم و پوشش گیاهی هر مرتع برای چرای دام به خصوصی مناسب گردیده است.

به تبع چنین تنوع گسترده در اقلیم و اکوسیستم مراتع کشور، تنوع ژنتیکی بسیار ارزشمندی در گونه های دامی مورد پرورش در این اقلیم ایجاد شده است که همین تنوع ایجاد شده در جمعیت های دامی، حیات وحش و پوشش گیاهی مراتع، بقای پایدار مراتع کشور را طی هزاران سال موجب شده است و هر گونه دستکاری و بهره برداری جاهلانه و غیراصولی انسان، نتیجه ای جز تخریب و از بین رفتن طبیعت مراتع کشور و به تبع آن مخاطره چرخه حیات دام و انسان را نخواهد داشت.

این مراتع از گذشته های دور همواره



به صورت اراضی بایر که هیچ‌گونه فعالیت کشاورزی و کشت و کار بر روی آن‌ها صورت نگرفته وجود داشته و دارند.

. مراتعی که به دلایل مختلف توسط انسان، به منظور فعالیت‌های کشاورزی و برداشت محصول به زیر کشت محصولات کشاورزی رفته‌اند، در این گروه طبقه‌بندی می‌شوند.

. کلیه زمین‌های کشاورزی و مراتع که جهت بهره‌برداری کشاورزی به زیرکشت می‌روند در دوران آیش کوتاه‌مدت یا طویل‌المدت خود جزء مراتع زراعی کشور محسوب می‌گردند.

(

. این مراتع بیش‌تر در مناطق مرطوب قرار داشته و گیاهان مرتعی عمدتاً از خانواده گرامینه می‌باشند. به دلیل شرایط مساعد رویش گیاهی، ارتفاع گیاهان و پوشش گیاهی این مراتع بلند می‌باشد؛ نظیر نواحی چمنزارهای طبیعی ایران که از مکان‌های مناسب مراتع اسبی است. میانگین بارش در بعضی مناطق تا ۲۰۰۰ میلیمتر در سال است.

. این مراتع اغلب در مناطق مرطوب و نیمه مرطوب و عمدتاً در مناطق دشت و دامنه‌های کوهستانی قرار گرفته‌اند. ارتفاع پوشش گیاهی این مناطق تقریباً بلند می‌باشد. مراتع سنگلاخی چه در دشت و چه در کوهپایه برای استفاده گاو مناسب نیست. میانگین بارش در سال ۶۰۰ تا ۱۵۰۰ میلیمتر با توزیع بارش یکنواخت در طول سال از ویژگی‌های این مراتع است.

. مراتع گوسفندی عمدتاً در آب و هوای نیمه بیابانی قرار گرفته‌اند.



ارتفاع پوشش گیاهی این مناطق کم‌تر از مراتع گاوی است. مراتع گوسفندی با میانگین بارش ۳۵۰ تا ۶۰۰ میلیمتر در سال جزء بهترین مراتع گوسفندی در نظر گرفته می‌شود.

. این مراتع عمدتاً در مناطق خشک و بیابانی قرار دارند. مراتع کوهستانی و صعب‌العبور (مانند مناطق سنگلاخی و...) نیز جزء مراتع بزی تقسیم‌بندی می‌شوند. این مراتع کوهستانی، خاص اکوسیستم ویژه‌ای نبوده و در هر اکوسیستم چه مرطوب و چه خشک می‌توانند وجود داشته باشند.

. مراتع ویژه این حیوان عمدتاً در مناطق مرطوب و نیمه مرطوب شامل سرزمین‌های باتلاقی یا نیمه باتلاقی می‌شود.

. تمام مراتع مناطق بیابانی و نیمه بیابانی می‌توانند مورد چرای گله‌های شتر قرار گیرند. پوشش گیاهی مراتع شتری می‌تواند بسیار فقیر بوده و میانگین بارش آن ۱۵ الی ۳۰ میلیمتر در سال باشد. تغییرات درجه حرارت در شب و روز در بعضی مناطق به حدود ۵۰ درجه سانتیگراد می‌رسد که ناشی از کم بودن رطوبت هوای این مناطق است.

(

. خصوصیات ویژه مراتع درجه یک، میانگین بارش بیش از ۵۰۰ میلیمتر در سال یا توزیع یکنواخت بارش در طول سال است. ظرفیت چرای این مراتع دو واحد دامی در هکتار برای ۱۰۰ روز در نظر گرفته می‌شود و پوشش گیاهی این مراتع از تنوع فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

. در این مراتع ۸۰ درصد پوشش گیاهی، از گیاهان خوش خوراک با ارزش غذایی مطلوب می‌باشد. این مراتع شامل مراتع سلسله جبال البرز، زاگرس،

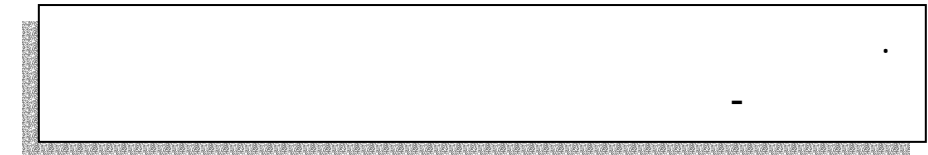


سبلان، سهند، ارتفاعات بختیاری، همدان، کردستان، ایلام و لرستان است. ظرفیت چرای این مراتع، یک واحد دامی در هکتار برای ۱۰۰ روز در نظر گرفته می‌شود.

در این مراتع بارش در سال ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیمتر با توزیع نامناسب در طول سال است. پوشش گیاهی این مراتع کم و غیرمترکم است. گیاهان این مراتع شامل ۵۰ درصد از گیاهان چند ساله و ۵۰ درصد از گیاهان یکساله می‌باشد. به دلیل چرای بی‌رویه در این مراتع، آثار فرسایش به وضوح مشاهده می‌شود. مراتع بیلاقی دشت‌های گرگان، مغان، دهلران، قزوین و اطراف تبریز از این نوعند. ظرفیت چرای دام این مراتع یک واحد دامی در دو هکتار برای ۱۰۰ روز است.

این مراتع با بارندگی حداکثر ۲۵۰ میلیمتر، دارای پوشش گیاهی غیرمترکم و تنک است و عمدتاً پوشش گیاهی بیش از ۵۰ درصد سطح زمین را می‌پوشاند. ظرفیت چرای دام در این مراتع، یک واحد دامی در ۵ هکتار برای ۱۰۰ روز است. مراتعی نظیر سواحل جنوبی و شرقی ایران، نواحی بین استان تهران و اصفهان و کرمان از این نوع می‌باشند.

فقیرترین مراتع در ایران و دنیا بوده و میزان بارش سالانه ۳۰ تا ۱۵۰ از خصوصیات این مراتع است. ظرفیت چرای آن یک واحد دامی در ۱۰ هکتار برای ۱۰۰ روز می‌باشد. نظیر مراتع دشت کویر و کویر لوت.



به منظور جلوگیری از روند رو به رشد تخریب و بهبود کمی و کیفی جنگل‌های شمال، طی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاست‌ها و شیوه‌هایی اتخاذ



گردید که مهم‌ترین آن ساماندهی خروج دام از جنگل، تجمیع خانوارهای پراکنده جنگل‌نشین، اصلاح شیوه‌های جنگلداری، حفاظت فیزیکی و فنی، جایگزینی سوخت مناسب به جای هیزم و ذغال، اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی، توسعه مشارکت مردم در اجرای طرح‌های بهره‌برداری بهینه از جنگل، توسعه و مراقبت از راه‌های دسترسی در جنگل، توسعه و احیای جنگل‌های تخریب شده و صیانت از جنگل‌های شمال کشور می‌باشد.

با اجرای طرح‌های فوق در سه سال اول برنامه سوم توسعه (پایان سال ۱۳۸۱) از ۸۵۴/۲ هزار هکتار از اراضی تخریب شده جنگل‌های شمال کشور، حدود ۲۴/۴ هزار هکتار احیا و بازسازی گردید که میزان عملیات اجرایی نسبت به پیش‌بینی به عمل آمده در اهداف برنامه‌های توسعه حدود ۷۷/۱ درصد تحقق یافته است.

همچنین از برنامه اول تا آخر برنامه پنجساله سوم ۱۰۶۰ هزار واحد دامی نیز از جنگل‌های شمال کشور خارج گردیده‌اند که به طور متوسط سالانه ۵۶/۷۲ هزار واحد دامی از این جنگل‌ها خارج شده‌اند و نیز ۵۰۷۸ خانوار جنگل‌نشین در روستاهای اطراف جنگل‌ها ساماندهی شده‌اند. تاکنون برای ۱۰۵۰ هزار هکتار از حوزه‌های جنگلی شمال کشور طرح‌های مطالعاتی توجیهی و تفصیلی اجرایی تهیه گردیده است. در خصوص جنگل‌های خارج از شمال نیز تاکنون در سطح یک و نیم میلیون هکتار طرح‌های مطالعاتی و اجرایی تهیه و به مرحله اجرا درآمده است. با توجه به قابلیت تولید ۱۰/۷ میلیون تن علوفه خشک یا ۵/۹ میلیون تن مجموع مواد مغذی قابل هضم^۱ TDN قابل برداشت مراتع کشور، تأمین غذای حدود ۳۷ میلیون واحد دامی در طول ۷ ماه از سال ممکن می‌باشد. این در حالی است که هم‌اکنون حدود ۱۲۰ میلیون واحد دامی از مراتع کشور تغذیه می‌نمایند که حدوداً ۲/۵ برابر بیش‌تر از حد مجاز آن می‌باشد. اقدامات پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه کشور در بخش مرتع با هدف



اصلی حفظ، احیای پوشش گیاهی، توسعه و بهره‌برداری اصولی از این منبع می‌باشد که به همین منظور طرح ممیزی مراتع، تهیه طرح‌های مرتعداری، تبدیل دیمزارهای کم‌بازده به مراتع دست‌کاشت، کشت علوفه، واگذاری طرح‌های مرتعداری به مرتعداران و تعاونی‌های مرتعداری و تعادل دام و مرتع از مهم‌ترین اقدامات اتخاذ شده در این زمینه می‌باشد.^۱

()

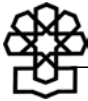
- پوشش کامل حفاظتی در جنگل‌های کشور (شمال، زاگرس، ارسباران، ایران و تورانی، خلیج و عمانی).

- خروج دام از جنگل و ساماندهی جنگل‌نشینان شمال به میزان ۷۰ درصد باقیمانده دام و ۷۰ درصد جنگل‌نشینان در پایان سال ۱۳۸۳ (خروج ۲/۴ میلیون واحد دامی، ساماندهی ۶۸ هزار خانوار جنگل‌نشین).

- کاهش ۵۰ درصد دام‌مازاد از مراتع مناطق بحرانی و لغو و اصلاح پروانه‌های چرای مربوطه (شامل استان‌های همدان، مرکزی، فارس، خوزستان، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد هر کدام به میزان یک میلیون واحد دامی تا پایان برنامه چهارم جمعاً به میزان ۶ میلیون واحد دامی).

- اجرای عملیات آبخیزداری در ۲۰ درصد سطح حوزه‌های سدهای در دست اجرا و تمام شده (۷ میلیون هکتار) و ۱۰ درصد حوزه‌های سایر مناطق (۶/۵ میلیون هکتار).

۱. آمارقانون برنامه پنجساله چهارم توسعه، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بخش کشاورزی و منابع طبیعی، ص



- توسعه فضای سبز و جنگل‌های دست‌کاشت به میزان حداقل ۵۰۰ هزار هکتار (۴۳۰ هزار هکتار جنگلکاری و غنی‌سازی ۷۰ هزار هکتار توسعه فضای سبز).

- اجرای عملیات پخش سیلاب در حوزه‌های شهری، روستایی و سایر اراضی کشاورزی و منابع طبیعی به میزان یک و نیم میلیون هکتار.

- پوشش کامل سوخت‌رسانی به عشایر، جنگل‌نشینان و روستاییان.

- گسترش مشارکت شوراهای روستایی و بسیج محلی در حفاظت از جنگل‌ها و مراتع به میزان ۱۵ درصد از سطح عملیات اجرایی.

- توسعه زراعت چوب به میزان ۱۰۰ هزار هکتار.

- اتمام عملیات ممیزی اراضی منابع ملی و دولتی از مستثنیات اشخاص (۴۰ میلیون هکتار اخذ سند - ۳۰ میلیون هکتار نقشه‌برداری).^۱

-

به دلیل عدم برنامه‌ریزی صحیح برای کشت نباتات علوفه‌ای توسط معاونت زراعت و سازمان جنگل‌ها و مراتع، متأسفانه با رشد تعداد دام در کشور طی سال‌های گذشته سطح زیرکشت علوفه متناسب با افزایش تعداد دام گسترش نیافته است و دلیل آن عدم هماهنگی قیمتی بین محصولات علوفه‌ای و گندم بوده است. این امر سبب گردیده که نیاز به واردات خوراک دام هر ساله با افزایش قیمت، افزایش یابد و دولت با صرف هزینه‌های گزاف اقدام به واردات خوراک دام از خارج نماید. از طرفی دامداران برای آن‌که در صرف هزینه‌های خوراک دام صرفه‌جویی نمایند، اقدام به چرای بی‌رویه دام‌ها در مراتع می‌نمایند



که در این راستا مدیریت حفظ مراتع کشور نتوانسته این مشکل را رفع نماید. سیستم کشاورزی در کشور ناپایدار بوده و پوشش‌های گیاهی اعم از جنگل‌ها و مراتع و همچنین پوشش‌های دست کاشت زراعی و باغی تخریب فزاینده‌ای یافته است. ارقام این تخریب برای جنگل‌ها حدود ۱۵۰ هزار هکتار و برای مراتع ۱ درصد در سال است و برای پوشش‌های زراعی و باغی در ارتباط با توسعه فضاهای سبز و صنعتی حدود ۱۰ هزار هکتار در سال برآورد می‌شود. این تخریب از سه جهت زیان‌آور است: نخست تشدید فرسایش خاک، دوم کاهش توان تولیدی پوشش‌های طبیعی مراتع و جنگل‌ها برای تولید علوفه و چوب و بالاخره کاهش اراضی قابل استفاده برای تولید محصولات کشاورزی (گیاهی و دارویی).

وجود قشر آسیب‌پذیر جنگل‌نشین در کشور.

-

امکانات بالقوه زیربخش جنگل و مرتع را می‌توان با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و با کمک تکنولوژی‌های پیشرفته (GIS و IT)، در راستای اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی به کار گرفت. اصولاً نقاط قوت زیربخش جنگل و مرتع و امکانات توسعه‌ای آن به شرح زیر است:

الف) وجود پتانسیل در منابع جنگلی و مرتعی،

ب) توان ایجاد اشتغال در فعالیت‌های اجرایی و منابع طبیعی و تولید مواد اولیه مورد نیاز صنایع چوب و دام،

ج) وجود تأسیسات و ظرفیت‌های قابل توجه در نگه‌داری و پرورش دام و طیور و گرایش به سرمایه‌گذاری در واحدهای دامداری و مرغداری،

۴. وجود فلورهای متفاوت مرتعی در کشور.

-

ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی در استفاده از امکانات موجود.

نیبود نظام بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی.

نارسایی قوانین و به اجرا در نیامدن قوانین موجود در عرصه فعالیت‌های توسعه منابع طبیعی.

عدم کارشناسی صحیح در برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه‌ای.

عدم مدیریت یکپارچه برای تأمین علوفه دامی و حفظ مراتع بین سازمان جنگل‌ها و مراتع، معاونت امور دام و معاونت زراعت و وزارت جهاد کشاورزی.

-

- تنوع اقلیمی و وجود گونه‌های گیاهی متنوع جنگلی و مرتعی.

- وجود ذخیره‌گاه‌های جنگلی و مرتعی و ذخایر بیوسفر جهانی.

- وجود پوشش گیاهی جنگلی در نواحی پنجگانه رویشی (هیرکانی، ایران و تورانی، زاگرس، ارسباران و خلیج و عمانی) به میزان ۱۲/۴ میلیون هکتار.

- وجود عرصه‌های مرتعی به وسعت ۹۰ میلیون هکتار.

- وجود جاذبه‌های گردشگری (طبیعت گردی) و کانون‌های تفرجگاهی در عرصه‌های منابع طبیعی.

- وجود نیروی انسانی متخصص، تشکل‌های مردمی، سازمان‌های غیردولتی، بخش‌های خصوصی و تعاونی‌ها در زمینه حفاظت، احیای توسعه و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور.

- بستر مناسب برای حفظ آب و خاک و ذخیره‌سازی و استحصال آب و تنظیم سیکل چرخش آب.

- وجود مطالعات شناسایی، توجیهی تفصیلی در بیش از $\frac{1}{4}$ سطح حوزه‌های آبخیز کشور.





- دسترسی به فناوری های نوین، مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی در زمینه تحقیقات کاربردی منابع طبیعی و آموزش عالی نیروهای مورد نیاز زیربخش منابع طبیعی.

- وجود قوانین، مقررات، ضوابط و دستورالعمل های لازم در زمینه حفاظت، اصلاح، احیای توسعه و بهره برداری از منابع طبیعی.

-

- نبود نظام های بهره برداری مناسب از منابع طبیعی کشور (عدم تعادل بین دام موجود با ظرفیت مراتع، وجود دام و جنگل نشینان پراکنده و ...).

- ناهماهنگی دستگاه های اجرایی در عرصه های منابع طبیعی و مشکلات و موانع در اجرای قوانین موجود.

- ناکافی بودن اشاعه اخلاق و فرهنگ استفاده صحیح از منابع طبیعی.

- تخریب و تغییر کاربری اراضی ملی و دولتی به دلیل عدم وجود برنامه تفصیلی آمایش سرزمین.

- افزایش کانون های بحرانی بیابان زایی.

- ناکافی بودن امکانات حفاظتی با توجه به گستردگی عرصه های منابع طبیعی.

()

تجربیات جهانی مبین نقش مهم و شگرف منابع انسانی در توسعه و پیشرفت هر جامعه و سازمانی می باشد و امروزه مدیریت مشارکتی و حضور فعالانه کلیه اعضای یک سازمان و همچنین خلاقیت و پویایی آنها از الزامات رسیدن به موفقیت و تحقق اهداف و برنامه های هر سازمانی است. در این بخش ابتدا اشاره به مسائل تشکیلاتی



سازمان گردیده و سپس به مسائل و مشکلات درون سازمانی که عملکرد سازمان را تحت الشعاع خود قرار می دهد پرداخته می شود.

-

- -

ساختار تشکیلاتی سازمان جنگل ها و مراتع به جا مانده از وزارت منابع طبیعی سابق است (بدون احتساب بخش های شیلات و محیط زیست) که شامل چهار معاونت و هجده دفتر یا اداره کل و یک مدیریت (حراست) و شورای عالی جنگل، مرتع و خاک می باشد. حال آن که معاونت آبخیزداری با سطح تشکیلاتی تقریباً مشابه (رئیس هر دو تشکیلات معاون وزیر بوده است) و حتی اعتبارات مشابه (و بعضاً بیش تر) فقط دارای دو دفتر (یکی دفتر مطالعات و ارزیابی آبخیزها و دیگری دفتر طرح ریزی و هماهنگی) و یک اداره کل (امور اجرایی آبخیزها) بوده و چه بسا کارایی بیشتری داشته است.

پس از یک دهه فعالیت درخشان در زمینه آبخیزداری، به دلیل پاره ای از مشکلات از قبیل تشابه کاری، ایجاد هماهنگی، پرهیز از دوباره کاری و موازی کاری، نبود قوانین و مقررات صریح و خاص در بخش آبخیزداری، ایجاد تحول و افزایش بهره وری و کارایی هر دو بخش، مقرر شد این دو تشکیلات در هم ادغام و سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور به وجود آید (که تصمیمی بسیار اصولی و صحیح بود) ولی متأسفانه به جای ادغام، فقط این دو تشکیلات تجمیع شدند (بدون هیچ تغییری در تشکیلات) و در نتیجه معاونت آبخیزداری از نظر تشکیلاتی یک درجه تنزل نمود و از معاونت وزیری به معاونت سازمان (معاون معاون وزیر) رسید که تبعات بسیاری در بین مدیران و کارکنان آبخیزداری به وجود آورد.

در زمان ادغام، هر چند معاونت آبخیزداری از نظر اعتبارات کل سازمان چیزی حدود ۵۰ درصد سهم داشت ولی از نظر تشکیلاتی فقط ۲۰ درصد سهم به دست



اداری سازمان است؛ به عنوان مثال، می‌توان به بخشنامه ابلاغی ریاست قبلی سازمان درخصوص جمع‌کلیه امور مطالعاتی سازمان در دفتر مطالعات و ارزیابی آبخیزها یا نظارت و هماهنگی در استفاده از فناوری سنجش از دور و GIS توسط دفتر فنی مهندسی سازمان اشاره کرد که هیچ کدام اجرایی نگردید و در بایگانی دفاتر فنی خاک می‌خورد. جالب آن‌که دفاتر فنی با زیرکی هر چه تمام‌تر و با تغییر نام طرح‌های مطالعاتی خویش و به بهانه تهیه نقشه و نه مطالعات، حتی اعتباراتی بیش از اعتبارات دفتر مطالعات را هزینه می‌نمایند و متأسفانه دفتر طرح و برنامه و آمار هیچ نقش کنترلی نداشته یا نمی‌خواهد که داشته باشد.

- -

• طرح تعادل دام و مرتع که سه سال از اجرای آن می‌گذرد، به منظور رفاه عشایر و مرتعداران به اجرا درآمده است؛ طرحی است با بایدها و نبایدهای فراوان.

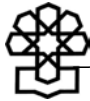
• با وجود این‌که بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور را کوچ‌نشینان تشکیل می‌دهند؛ هدف این طرح بنا به گفته مدیر کل دفتر فنی مرتع سازمان عبارت است از: «تقریباً در ۲۳ میلیون هکتار از مراتع کشور، زمان مناسب ورود دام به مراتع را تنظیم کنیم و در کنار آن، معیشت دو هزار خانوار دامدار را تغییر بدهیم، یعنی از دامداری سبک متکی به مرتع به سمت استفاده از زمین یا دامداری سنگین و نیمه سنگین هدایت کنیم».

• دادن آمار غلط.

• هزینه بودجه طرح تعادل دام و مرتع در جاهای دیگر.

• ضعف در هماهنگی با سایرین (این طرح در سال اول با هماهنگی سایر دست‌اندرکاران انجام گرفت ولی در سال‌های بعدی سایر ارگان‌ها و ادارات حذف گردیده است).

• بنا به تصریح ماده (۶۹) برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف است ۵۰ درصد دام‌مازاد از مرتع را حذف کند، ولی هیچ سازوکار مناسبی از سوی سازمان برای تحقق آن طراحی نشده و این در حد شعار باقی مانده است.



• عدم هماهنگی طرح با طرح‌های سایر ادارات (در حالی که اغلب مسئولان، هم‌زمان با اجرای طرح تعادل دام و مرتع بر ضرورت اسکان عشایر پا می‌فشارند، اما نبود برنامه‌ای کارآمد و منسجم که ابعاد مختلف زندگی عشایر را شامل شود، به‌ویژه نبود جایگزین مناسب برای معیشت کوچ‌نشینان زندگی این شمار از جمعیت کشور را با معضلات پیچیده‌ای مواجه ساخته است).

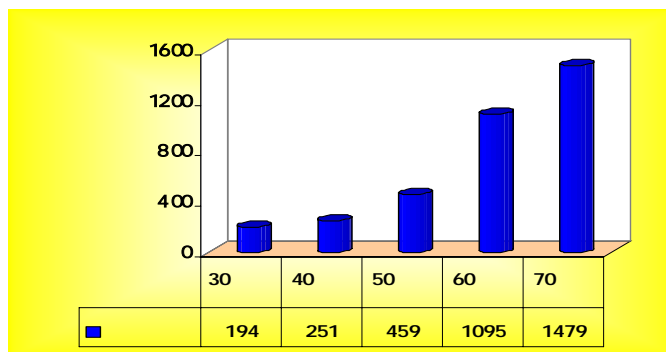
• عدم هماهنگی در سازمان در تعریف واحد دامی (تفاوت در واحد دام بز (۶/۰ یا ۴ یا یک رأس بودن)).

• عدم یا کم بودن مطالعه فنی در طرح تعادل دام و مرتع.

• جریمه کردن بهره‌بردار عشایر توسط سازمان، در حالی که سازمان امور عشایر برای افزایش دام جایزه می‌دهد.

• عدم نظارت و ارزیابی صحیح.

نمودار ۲ سیر صعودی تخریب منابع (به وسیله چرای بی‌رویه دام، قطع درختان جنگلی) به تبع آن سیر صعودی سیل که موجب سیر کاهش مساحت جنگل و سیر کاهش صعودی کیفیت چوب جنگل شده است را نشان می‌دهد.



منبع: سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، ۱۳۸۰.



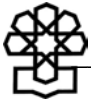
- . ()

با توجه به این که استان‌ها منابع اعتباری متعددی دارند لذا بعضاً اقدامات انجام شده سازمان بدون مطالعه می‌باشد و چون برای ارزیابی، شرایط قبل از اجرا مورد نیاز می‌باشد لذا عملاً ارزیابی میسر نمی‌باشد.

اقدامات سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری عمدتاً به صورت پراکنده در سطح یک استان و در نتیجه در حوزه‌های مختلف اجرا می‌شوند و متأسفانه بدین صورت نیست که کل کارهای مربوط به یک حوزه آبخیز، در یک مکان و طی یک یا چند سال متوالی انجام شده و خاتمه پذیرد و سپس به حوزه دارای اولویت بعدی پرداخته شود؛ لذا بعضاً مشاهده می‌شود که اثر اقدامات محدود انجام شده در یک حوزه در مقایسه با حجم مشکلات موجود بسیار ناچیز است و قابل ارزیابی و اندازه‌گیری نیست.

در حوزه‌هایی که اقدامات سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری در حال پیاده‌سازی و اجراست بعضاً به طور همزمان یا در سال‌های بعد از اجرا، دستگاه‌های اجرایی دیگر در حال احداث تأسیسات جدید یا توسعه بهره‌برداری از منابع و در نتیجه تخریب عرصه‌های طبیعی و برهم زدن تعادل اکولوژیکی آن می‌باشند. از طرف دیگر افراد محلی (بهره برداران) نیز بعضاً این چنین نقشی دارند. به عنوان مثال، وقتی منطقه‌ای غرق می‌شود، دامداران به ناچار دام خود را در عرصه‌های دیگر برده و فشار بیشتری از نظر چرا و تعلیف دام به آن مناطق وارد می‌نمایند و در نتیجه سبب تخریب بیش‌تر آن می‌شوند. لذا ارزیابی اقدامات انجام شده فقط با توجه به مسائل کلی حوزه مورد نظر (از قبیل سیل، فرسایش و رسوب) یا توجه به آمار دبی و رسوب ایستگاه هیدرومتری و رسوب سنجی پایین دست عملاً غیرممکن است.

یکی از شرایط اثربخشی و موفقیت‌آمیز بودن پروژه‌های سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری، اجرای صحیح آن‌ها و رعایت ضوابط فنی و اجرایی می‌باشد که نقش ناظران استانی و ستادی در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. (ناظرین با حقوق کم،

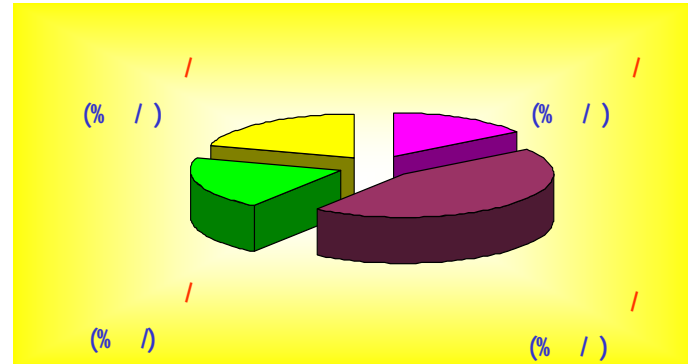


سوء مدیریت و امکان رشوه و سایر موارد را زیاد می‌کند).

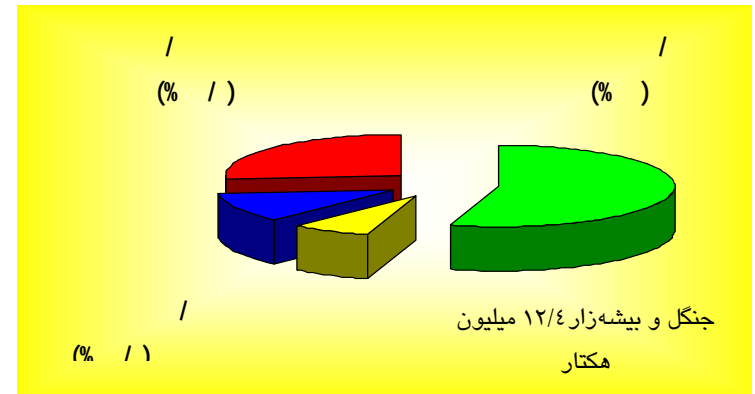
بخش‌های اجرایی در اجرای اقدامات سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری بنا را بر صحت و درستی مطالعات تفصیلی - اجرایی انجام شده می‌گذارند و هیچ گونه دخل و تصرفی در تعیین موقعیت پروژه‌ها و نوع آنها ندارند لذا اگر مطالعه‌ای درست و اصولی انجام نشده باشد یا در پروژه‌یابی و مکانیابی آن‌ها مشاور اشتباه نموده باشد هر چقدر هم که اجرا صحیح باشد نتیجه کار مطلوب نبوده و هیچ تأثیری در رفع مسائل و مشکلات موجود ندارد. لذا ناظران محلی و کمیته فنی معاونت نقش بسزایی در هدایت فنی مطالعات تفصیلی - اجرایی و کنترل کیفی آن دارند.

مسائل و مشکلات ناشی از مخالفت‌ها و مداخله افراد محلی (بهره‌برداران) در هنگام اجرای پروژه‌های آبخیزداری به خصوص آن‌هایی که قرار است در عرصه و دامنه‌ها پیاده شود نظیر بانکت غلات، تراس‌بندی، بذریابی، کپه‌کاری، قرق، اصلاح جهت شخم، نهالکاری و... که عمدتاً ناشی از عدم آگاهی آن‌ها می‌باشد و نیاز به کارهای ترویجی و توجیهی دارد تا با جلب مشارکت آن‌ها نه تنها در اجرای پروژه‌ها همکاری و هماهنگی لازم را داشته باشند بلکه در حفظ و نگهداری این اقدامات و تعمیم آن به سایر عرصه‌های حوزه نیز کوشا باشند. لذا تا وقتی که این حمایت‌های مردمی وجود ندارد درصد موفقیت اقدامات آبخیزداری کم بوده و در نتیجه ارزیابی آثار آن‌ها مشکل است.

در استان‌ها بعضاً به دلیل اعمال نفوذهای مقامات محلی اعتبارات جابه‌جا شده یا محل پروژه‌ها جابه‌جا می‌شود و چه بسا ضوابط فنی در انتخاب محل پروژه رعایت نشود. نمودار ۳ و ۴ به ترتیب پراکنش جنگل‌های کشور و کاربردی اراضی کشور را در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد.



منبع: سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، ۱۳۸۰.



منبع: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی ۱۳۸۲

. - -

همان‌طور که اشاره شد جنگل‌های ایران در پنج منطقه (شمال، زاگرس، ارسباران، ایران و تورانی، خلیج و عمانی) پخش شده‌اند: ناحیه هیرکانی (خزری) که نوار سبز شمال کشور را تشکیل می‌دهد، ناحیه ایران و تورانی که به‌طور عمده در مرکز ایران پراکنده‌اند، ناحیه زاگرس که جنگل‌های بلوط غرب کشور را تشکیل می‌دهند، ناحیه خلیج فارس که در نوار ساحلی جنوب پراکنده است و ناحیه ارسبارانی که متشکل از گونه‌های نادر و منحصر به فرد است.

- نابودی جنگل‌های ایران (عاملان تخریب هر درخت، براساس قانون مصوب را تا حداکثر ۲۵۰ هزار تومان جریمه می‌کند؛ همزمان، صنایع چوب و کاغذ سال گذشته ۷۵۰ هزار متر مکعب از جنگل‌های شمال کشور را مورد بهره‌برداری قرار داده است).
- نبود آمار درستی از مقدار واقعی جنگل.

بنابر اطلاعات رسمی سایت سازمان جنگل‌ها و مراتع، سطح کل جنگل‌های ایران حدود ۱۲/۵ میلیون هکتار است، که سهم هر ایرانی از آن، دویست متر مربع است. این آمار است که بسیاری از آگاهان، کارشناسان محیط‌زیست و اقلیم‌شناسان به آن خرده می‌گیرند.

- فائو جنگل‌های کشور را به مقدار ۷ میلیون هکتار اعلام کرده است (که با آمارهای موجود تفاوت دارد. از سوی دیگر آمار ارائه شده از سوی مرکز مطالعات استراتژی ملی محیط زیست و توسعه پایدار کشور حاکی از آن است که مساحت جنگل‌های کشور طی ۴ دهه گذشته با کاهش تصاعدی بسیار بالایی روبه‌رو بوده است به‌طوری که طبق همین آمار، مساحت کل جنگل‌های ایران از ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار در دهه ۱۳۴۰ به ۱۲ میلیون و ۲۶۰ هزار هکتار در دهه ۱۳۷۰ رسیده است. براساس آمار مذکور، جنگل‌های حاشیه دریای خزر طی ۴۰ سال گذشته از ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار





هکتار به یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار کاهش پیدا کرده است. جنگل‌های زاگرسی نیز از ۱۲ میلیون هکتار به ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار رسیده است. جنگل‌های تورانی ایران نیز که زمانی مساحتی بالغ بر ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار شامل می‌شد هم اینک به ۵۰۰ هزار هکتار تقلیل یافته است. در شمال غرب کشور نیز در همین مدت جنگل‌های ارسباران از ۵۰۰ هزار هکتار به ۶۰ هزار هکتار رسیده است. همه این شرایط در حالی است که طی این مدت هیچ عملکرد مناسبی برای جلوگیری از روند تخریب یا احیای جنگل‌های کشور صورت نگرفته و وضعیت اکوسیستم‌های جنگلی ایران هر سال بدتر از سال گذشته شده است).

● تا دو سال پیش، هر ساله دو میلیون مترمکعب چوب از جنگل‌های کشور استحصال می‌شد، که پس از اعتراض‌های پی در پی سازمان‌های غیردولتی، این میزان به گزارش منابع دولتی به کم‌تر از یک میلیون مترمکعب رسید.

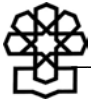
● نابودی جنگل‌ها با شیوه‌های مختلف (سد، جاده، صنایع چوب، آفت‌های گیاهی).

● تخریب عرصه‌های منابع طبیعی توسط ادارات، نهادها و متجاوزین.

● (شرکت‌های بهره‌بردار از جنگل‌ها، موظف شده‌اند که درخت بکارند لکن درختان کاشته شده به جهت نوع درخت، نمی‌تواند جایگزین درخت کنده شده شود).

● سیاست دولت به ویژه نگاهی که در سازمان جنگل‌ها و مراتع درباره جنگل وجود دارد، یک نگاه اقتصادی است (آنان اصلاً برای خود درخت یا حیوانات جنگلی ارزشی قائل نیستند. نگاه آنان به لحاظ اقتصادی هم اقتصاد ناپایدار است. تنها برنامه‌ای که برای بهره‌برداری از جنگل دارند این است که درخت را به پول نزدیک کنند. چوبش را بفروشند و از آن استفاده کنند).

● بی‌تدبیری سازمان جنگل‌ها و مراتع در صنعت چوب و کاغذ. (علاوه بر این شرکت‌های بزرگ برخوردار از رانت، از هرگونه تصمیم‌گیری در حوزه صنعت چوب



و کاغذ که به نفع آنان نباشد جلوگیری می‌کنند).

● کارشناسان معتقدند صنایع چوب و کاغذ مازندران تاکنون با قطع گونه‌های نادر نظیر راش، ممرز، انجیلی و تبدیل آن‌ها به کاغذ و چوب و جایگزین کردن گونه پست صنوبر، ضربات غیرقابل جبرانی به جنگل‌های شمال کشور وارد کرده است.

● سیل‌های مناطق جنگلی در کشور، به عنوان مثال سیل منطقه گلستان که در سال‌های اخیر همه ساله تکرار شده است، به عقیده اغلب کارشناسان نشانه همین بی‌تدبیری‌ها و کارشکنی‌ها است. به گفته کارشناسان اقلیم و هوا شناسی که در این باره تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند، در سال‌های گذشته هیچ بارش بیش از حدی وجود نداشته و با مقایسه مقدار بارش، کارشناسان دریافته‌اند که این میزان بارش هزاران سال است که در این منطقه به همین شکل وجود داشته اما از بین رفتن جنگل‌های گلستان، باعث بروز سیل‌های خانمان برانداز شده است.

● تخریب گسترده پوشش گیاهی جنگل‌ها توسط شرکت‌های بهره‌برداري صورت می‌گیرد که حق بهره‌برداری به دولت می‌پردازند. این حق بهره‌برداری که مثلاً گفته می‌شود سال گذشته ۳۰۰ میلیون تومان بوده است، تنها به ازای یک سیل خیلی کوچک، یعنی پنج میلیارد تومان به دولت صدمه می‌زند.

● عدم برنامه‌ریزی درست (این‌ها برنامه کاشت نهال دارند، اما برنامه‌ای برای آبیاری آن ندارند و اگر بر اساس آماری که منتشر می‌شود واقعاً سالی یک میلیون هکتار درخت کاشته می‌شد الان ایران سراسر جنگل بود).

● سازمان جنگل‌ها و مراتع به این دلیل که درختان برگ سوزنی به آب کم‌تری احتیاج دارند، انواع این درخت یا درخت گز را می‌کارد. اما در سایه این درختان به لحاظ زیستی، هیچ گیاه دیگری نمو نمی‌کند. به طور کلی این‌ها گونه‌های سازگار و بومی نیستند.

● ارزش بالای درخت: یک اصله درخت تنها به لحاظ اکوتوریستی (جلب توریست طبیعت گرد) بیش از ۱۰۰ دلار ارزش دارد. این تنها بخشی از ارزش درختان است و



می‌توان در پالایش هوا، ممانعت از سیل، بیابان زدایی و بسیاری چیزهای دیگر ارزش درختان را رقم زد. براین اساس ارزش یک اصله درخت خیلی بیش از جریمه ۲۵۰ هزار تومانی است که برای آن تعیین شده است.

● تشکیلات نامناسب اداری: کارشناسان زیست محیطی علی‌رغم انتقادات گسترده‌ای که در مورد جنگل‌ها به سازمان محیط زیست وارد می‌دانند، معتقدند به دلیل نگاه اقتصادی سازمان جنگل‌ها، باید جنگل‌ها از زیرمجموعه این سازمان خارج شود و حداقل در زیرمجموعه سازمان محیط زیست قرار گیرد که حداقل به این موضوع نگاه حفاظتی دارد و همچنین قسمت آبخیزداری به وزارت نیرو انتقال یابد.

● افزایش آتش‌سوزی‌های جنگل (سیر صعودی آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع): میزان آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع ایران در یک دوره پنج‌ساله از ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۲ سیر صعودی داشته است. براساس آمار منتشره از سوی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، در حالی که تعداد کل آتش‌سوزی‌ها در سال ۱۳۷۸ نزدیک به ۷۷۷ فقره بوده، این میزان در سال ۱۳۸۲ به ۱۳۱۹ فقره رسیده است. از نظر میزان تخریب وسعت جنگل‌ها و مراتع ایران، بر اثر آتش‌سوزی‌های مذکور نیز وضعیت مشابه آمار فوق می‌باشد. درحالی که تنها در سال ۱۳۷۹ نزدیک به ۵۶۹۴ هکتار از اراضی ذکر شده نابود شده‌اند، در سال‌های بعد به خصوص سال ۱۳۸۲ این میزان به ۱۷ هزار هکتار رسیده است. بر اساس آمار منتشرشده در این پنج‌سال، جمعاً ۴۳۵۲ مورد حریق در کشور رخ داده که منجر به نابودی ۶۲ هزار و ۴۳۹ هکتار از عرصه‌های جنگلی و مرتعی کشور شده است. از سوی دیگر سازمان جنگل‌ها و مراتع در گزارش جداگانه‌ای در مورد وضعیت حریق در جنگل‌ها و مراتع کشور آورده است: «در سال ۱۳۸۲ تنها در سطح جنگل‌های کشور تعداد ۵۳۰ فقره حریق حادث گردیده که مساحتی بالغ بر ۵۲۱۰ هکتار را در بر گرفته است. از این تعداد حریق حدود ۷۰ فقره (۱۳/۲ درصد) حریق‌های تاجی، ۱۵۵ فقره (۲۹/۳ درصد) حریق‌های تنه‌ای و



۳۰۵ فقره (۵۷/۵ درصد) آتش‌سوزی‌های سطحی گزارش شده است»^۱.

- نداشتن تجهیزات مناسب در اطفای حریق.
- صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری معادن.
- اجرای پروژه‌های عمرانی بدون ارزیابی‌های زیست محیطی.
- نشناختن مشکل اصلی تخریب جنگل و مشکل دانستن مردم مظلوم جنگل.
- سوء مدیریت در اجرای پوشش گیاهی و آبخیزداری که تبعات آن وقوع سیل است در ۱۳۸۴/۵/۹ و ۱۳۸۴/۵/۱۹ به فاصله ۱۰ روز دو سیل در منطقه کلان‌به وقوع پیوست و ۶۷ نفر کشته و بیش از ۴۰۰ واحد مسکونی را تخریب نمود. البته تخریب جنگل‌ها و مراتع و تغییر کاربری، علل آماده‌سازی سیل در منطقه بوده است و امکان وقوع سیل در منطقه مورد نظر با تخریب شدیدتر در سال کنونی و سال‌های دیگر غیرمنتظره نمی‌باشد.
- واگذاری زمین در شمال کشور تا جایی که در قلب جنگلکاری‌ها، پروانه بهره‌برداری مرغداری و دامداری صادر می‌شود.
- نحوه دفن زباله در جنگل‌ها.
- عدم نظارت صحیح به نحوه برداشت شرکت‌های دولتی، خصوصی و مردم.
- نداشتن نیروی کافی برای اهداف سازمان.
- انجام یک فعالیت به اسامی‌های مختلف (صیانت، حفاظت، حمایت، و.....).
- صیانت جنگل‌ها در حال حذف شدن بوده و با حفاظت یک کاسه خواهد شد هر کیلومتر مربع کمربند حفاظتی ده میلیون ریال هزینه دارد ولی اعتبار ۱۰۰ هزار ریالی برای آن در نظر گرفته می‌شود و سرانجام این کمبود اعتبار به خوبی مشخص است).

1. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، ۱۳۸۳.



پرسش‌های مطروحه حول محورهای زیر است:

- موفق نبودن در طرح دام و مرتع؛
- ممیزهای سازمان کارشناسی نبوده است؛
- عدم موفقیت سازمان در طرح ترمیم مراتع کشور؛
- موفق نبودن در هزینه‌های واگذاری به سازمان؛
- سوء مدیریت.

پاسخ به سؤالات فوق را باید هم از بعد درون بخشی (کشاورزی) و هم فرابخشی مورد توجه قرار داد. در این جا به طور خلاصه با توجه به مطالب بخش‌های گذشته، موارد فوق به طور جداگانه بررسی می‌گردد. البته سازمان جنگل‌ها و مراتع علل ناموفق بودن کامل طرح‌های خود را کمبود اعتبارات و ناهماهنگی دستگاه‌های درون بخشی و فرابخشی و عدم همکاری دامداران می‌داند در صورتی که مشکل را باید در درون سازمان جستجو نمود.

الف) در طرح تعادل دام و مرتع که به طور زیربخشی مورد اجرا قرار می‌گیرد (همکاری با معاونت دام وزارت جهاد کشاورزی)، اعتبارات توزیعی طرح باید برای یک خانواده دامدار اختصاص یابد. در صورتی که تک تک اعضای خانوار فوق از تسهیلات اعطایی برخوردار می‌شوند. این امر باعث می‌شود که اعتبارات تخصیص یافته کاهش یافته و دیگر افراد (دامداران) مورد نظر در طرح نتوانند از این واگذاری اعتبارات برای تعادل دام بر مرتع منطقه خود برخوردار شوند. در نتیجه عملکرد پایین سازمان در واگذاری اعتبارات به دامداران باعث نارضایتی و استمرار استفاده بی‌رویه از مراتع می‌گردد، به عبارتی عملکرد ضعیف مدیریت سازمان متولی را نشان می‌دهد.

ب) در طرح دام و مرتع بُعد زمان در نظر گرفته نشده است. به نحوی که این طرح



فقط در استان‌های شمالی (مازندران، گیلان و گلستان) انجام می‌شود. در نظر نگرفتن بُعد زمان در طرح بدین معنی است که مدت اجرای طرح باید مشخص باشد، مشخص نیست، لکن در گذشته که این طرح پیشنهاد و شروع به اجرا گردید، به طور مثال قیمت زمین در شمال کشور ارزان بود. اما امروزه با طولانی شدن مدت اجرای طرح، زمین در استان‌های شمالی گران شده است و جنگل‌نشین راغب به خروج از جنگل نمی‌باشد. البته در مکان‌هایی که زمین ارزان است با وجود استمرار زمانی اجرای طرح، طرح موفق می‌باشد. در نتیجه برنامه‌ریزی طرح از نظر بُعد زمان و مکان غیرکارشناسی بوده است.

ج) به دلیل سوء مدیریت در اجرای مقررات و دستورالعمل‌ها یا واگذاری زمین که توسط بعضی از ادارات منابع طبیعی در محیط جغرافیایی طرح تعادل دام و مرتع اعمال شده یا می‌شود، باعث شده است که جنگل‌نشینان یا مرتع‌نشینان، دام خود را از این مناطق خارج نکنند یا اقدام به تغییر کاربری بدون مجوز از اراضی جنگلی و مرتعی نمایند که نمونه آن منطقه کلاردشت است.

مدیریت طرح فقط جنگل‌نشینان را که تا سال ۱۳۶۴ به آن‌ها مجوز یا پروانه بهره‌برداری از جنگل و مرتع را واگذار نموده است، شایسته کسب و جذب اعتبارات و تسهیلات دولتی می‌داند، در صورتی که بسیاری از این افراد از آن تاریخ به بعد تاکنون در شهرها زندگی می‌نمایند، ولی ادعای دریافت تسهیلات داشته یا این که عدم همکاری در خروج دام از مراتع را می‌نمایند که این امر موجب کاهش در توزیع تسهیلات باقی مانده طرح می‌گردد. این نیز یک دلیل دیگر برای عدم شناخت کافی در برنامه‌ریزی و کارشناسی طرح بوده است. به عبارتی طرح تا حدودی انتزاعی برنامه‌ریزی شده بود.

د) وقتی اعتبارات طرح با توزیع نامناسب کاهش یابد و همه افراد مورد نظر در طرح از آن منتفع نگردند، در نتیجه خروج جنگل‌نشینان و دام‌های آن‌ها از جنگل فقط به وسیله



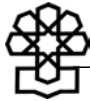
واگذاری اراضی منابع طبیعی تحقق می‌یابد. در نتیجه واگذاری زمین به این افراد در دشت‌ها، آن‌ها اقدام به خرد نمودن اراضی یا تغییر کاربری می‌نمایند که این سیاست در مقابل سیاست یکپارچه سازی اراضی کشاورزی است. بنابراین هزینه واگذاری اراضی منابع طبیعی از طرف سازمان به جنگل‌نشینان در سطح ملی بسیار پرهزینه می‌باشد. این نیز یکی دیگر از علل غیرکارشناسی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح فوق‌الذکر می‌باشد.

(ه) در خصوص عدم مدیریت در حفظ و احیای جنگل‌ها و مراتع می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود:

- در طرح مکان سنجی دام و مرتع باید مشخص گردد که کدام مرتع قابل چرای دام است. در بعضی از نقاط کشور مراتع درجه چهار یا پنج مورد بهره برداری قرار می‌گیرند که این خود باعث از بین رفتن مراتع یا حاصلخیزی آن‌ها می‌گردد. لذا مدیریت بهره‌برداری از مراتع باید فرق بین مراتع را در دستور کار خود قرار دهد و به شدت با افراد خاطی برخورد نماید.

- احساسی بودن یا غیرکارشناسی بودن ارائه بعضی از طرح‌های منابع طبیعی؛ به طور مثال می‌توان به طرح پرورش دام سنگین (گاو میش) در استان مازندران به لحاظ دریافت اعتبارات بودجه‌ای اشاره کرد که در این طرح میزان علوفه تولیدی در نظر گرفته نشده و این خود باعث سوء استفاده از منابع جنگلی و مرتعی است.

(و) ممیزی‌های سازمان کارشناسانه نبوده است. منظور از ممیزی و تنسيق مراتع، مشخص کردن و تعیین حدود مراتع در قالب طرح مرتعداری و پروانه واجدین شرایط است که در بند «ج» به آن اشاره شد. در خاتمه آن که اگر بخواهیم از جنگل‌ها سیانت نماییم باید جنگل‌نشین را در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های توسعه‌ای جنگل مشارکت دهیم. امروزه در کشورهای پیشرفته جنگلداری محلی - مشارکتی در کنار جنگلداری خصوصی از جایگزین‌های مهم حفظ جنگل‌های این کشورها محسوب می‌گردد. به عبارتی مشکل جنگل‌نشین نیست بلکه سازماندهی



اداری اجرایی حفظ و نگهداری جنگل مشکل‌زا می‌باشد. در خصوص مراتع نیز در حال حاضر کل مراتع کشور جوابگوی ۳۸ میلیون واحد دامی است، در حالی که هم اکنون بیش از ۸۳ میلیون واحد دامی وابسته به مرتع در کشور وجود دارد. به عبارتی مراتع کشور ظرفیت ۱۸۰ هزار بهره‌بردار را دارد، در حالی که تعداد بهره‌برداران مراتع کشور، در حال حاضر شش برابر این تعداد است.



۱. قانون برنامه پنجساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۲. نسیمی، علی، ضرورت تحول کاربردی در کشاورزی، نیاز امنیت غذایی، ایران و دیگر کشورهای در حال توسعه، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۸.
۳. نسیمی، علی، مقدمه‌ای بر سیاستگذاری نوین کشاورزی، ۱۳۸۲.
۴. گزارش مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۲.
۵. آمار سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری، ۱۳۸۳.
۶. آمار سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری، ۱۳۸۰.
۷. مرکز مطالعات استراتژی ملی محیط زیست و توسعه پایدار، ۱۳۸۱.



:

: وضعیت جنگل‌ها و مراتع کشور

Report Title: Investigation About Situation of Forests and Range Lands in IRAN

: مطالعات زیربنایی

: علی نسیمی

: محمدرضا محمدخانی

: سلیمان جعفرزاده (عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی)

:

:

۱. جنگل و مرتع (Forest and Rangeland)

۲. تخریب منابع (Resources Destruction)

۳. اقتصاد جنگل و مرتع (Forest and Rangeland Economy)

۴. مشکلات سازمان (Organisation Chalanges)

:

در انتهای گزارش درج شده است.